

بن مایه های معرفتی انسان مداری اسلامی : با تاکید بر آراء ابن مسکویه رازی

هژیر مهری^۱

چکیده

در میان فیلسوفان ایرانی، شماری را می‌توان «انسان مداران اسلامی» خواند؛ یعنی فهرستی که عموماً ابن مسکویه، ابوحنیف توحیدی و استادش ابوسلیمان سجستانی و بسیاری از چهره‌های فرعی قرن چهارم هجری را در برمی‌گیرد. دلیل اینکه چرا چنین عنوانی (برای این اندیشمندان) به کار رفته است بیشتر با خصوصیت اندیشه‌ای که این اندیشمندان مطرح کرده‌اند مناسبت دارد که ظاهراً از بسیاری آثار اسلاف و اخلاف ایشان جسورانه‌تر و بی‌پرده‌تر است. آنها ظاهراً مقام دین، و حتی مقام اسلام، را خفیف شمرده‌اند، البته بدون آنکه اهمیت آن را انکار کنند، و وظیفه خود را مبتنی بر تحلیل انسان بماهو انسان در تقابل با انسان بماهو مسلمان قلمداد کرده‌اند. آثار ایشان در موارد زیادی نشان می‌دهد که برای عقل محض اهمیتی فراتر از آنچه در نزد بسیاری از فلاسفه یافت می‌شود قایلند. هدف این است در نوشتار حاضر با روشی توصیفی-تحلیلی مبانی انسان مداری در آراء فیلسوفان اسلامی را بیان کنیم، بیشتر بر آراء مسکویه متمرکز می‌شویم تا به نتیجه‌ای مطلوب در خصوص انسان مداری در اندیشه های متفکران قرن چهارم و پنجم و خصوصاً ابن مسکویه و تاثیر گذاری که در زمینه بستر و پیشینه مکتب فلسفی اصفهان داشته است برسیم. خصوصاً اینکه «میرداماد» به عنوان موسس «مکتب فلسفی اصفهان» توجه و احترام خاصی برای شان علمی «معلم ثالث» قائل بوده که در انتهای مقاله به این مهم اشاره خواهیم نمود.

واژگان کلیدی: اومانیسیم، ابن مسکویه، تمدن اسلامی، انسان مداران اسلامی، معلم ثالث.